



- آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیسی، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطراب در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عابدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرجوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلو
بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم‌شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بایلی، یاسر شاکری



The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر

Hamidreza Ghanaatian

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

حمیدرضا قناعتیان

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

hamidrezaghanaatian@gmail.com

Abstract

The main focus of this research, which is conducted with an analytical-historical approach and using written sources as well as the perspectives of social policy experts, is to evaluate the effectiveness of strict punitive policies in the field of combating drugs. The findings indicate that relying solely on severe punishments has not only failed to reduce the tendency to use or distribute drugs, but in some cases has led to the formation of more complex avoidance strategies by activists in this field. Based on data analysis, a dynamic, transparent, and comprehensive legal framework that can respond to the changing needs of society is considered a basic requirement in this field. Modern approaches emphasize that laws should focus more on the rehabilitation and return of individuals to society, relying on civic and social education, rather than on punishment. Achieving this goal requires identifying and addressing the roots and contexts of crime. Until the fundamental factors of the spread of crime in society are considered and basic solutions are designed for them, intensifying penalties in isolation will not have a meaningful impact on reducing the rate of drug-related crimes.

Keywords: Drugs, Increased Punishment, Consumption.

چکیده

محتور اصلی این پژوهش که با رویکردی تحلیلی-تاریخی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب و نیز دیدگاه‌های متخصصان حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی انجام شده، ارزیابی کارآمدی سیاست‌های تنبیهی سختگیرانه در حوزه مقابله با مواد مخدر است. یافته‌ها حاکی از آن است که اتکاء صرف به مجازات‌های شدید، نه تنها نتوانسته است تمایل به مصرف یا توزیع مواد را کاهش دهد، بلکه در برخی موارد به شکل‌گیری راهکارهای اجتنابی پیچیده‌تر از سوی فعالان این عرصه منجر شده است. بر پایه تحلیل داده‌ها، یک چهارچوب قانونی پویا، شفاف و جامع که توان پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه را داشته باشد از الزامات پایه‌ای در این زمینه محسوب می‌شود. رویکردهای نوین تأکید دارند که قوانین باید بیش از تمرکز بر مجازات، بر احیاء و بازگشت افراد به بستر جامعه با تکیه بر آموزش‌های شهروندی و اجتماعی متمرکز شوند. تحقق این هدف مستلزم شناسایی و پرداختن به ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری جرم است. تا زمانی که عوامل بنیادین گسترش جرم در جامعه مورد توجه قرار نگیرد و برای آن‌ها راهکارهای اساسی طراحی نشود، تشدید مجازات‌ها به‌صورت مجزا، تأثیر معناداری در کاهش نرخ جرائم مرتبط با مواد مخدر نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، تشدید مجازات، مصرف.

ارجاع:

قناعتیان، حمیدرضا؛ (۱۴۰۵)، تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

از موضوعاتی که از زوایای گوناگون نگرانی سیاست‌گذاران را برانگیخته و توجه آنان را به خود جلب کرده است، آسیب‌های ناشی از سوءمصرف مواد مخدر است. مواد مخدر با توجه به تعریفی که سازمان بهداشت جهانی ارائه نموده، عبارت است از: هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی که از جمله مواد مورد نیاز بدن برای بقای سلامت آن به شمار نرفته و مصرف آن‌ها احتمال تغییری در کارکرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن و عملکردهای روانی-عقلانی مصرف‌کننده را مطرح می‌سازد (عباسی کلیمانی و محبوبی، ۱۳۹۹، ۱۳۴).

اعتیاد به مواد مخدر از معضلات اساسی بشر به شمار می‌رود و همه جوامع با درجات متفاوت، در معرض آسیب‌ها و عوارض مستقیم و غیرمستقیم آن هستند. این مشکلات را در یک طبقه بندی کلی می‌توان به دو دسته عوارض فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. از مهم‌ترین عوارض فردی مرتبط با این معضل، آسیب‌های بهداشتی است که دو حوزه جسم و روان را مبتلا می‌سازد. از عوارض اجتماعی اعتیاد نیز می‌توان به مشکلات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد (آقابابایی و رضایی زادفر، ۱۳۹۳، ۲).

در مبارزه با مواد مخدر ابعاد و پیچیدگی‌های گوناگونی وجود دارد و رسیدن به اهداف این

مبارزه مستلزم در اختیار داشتن ابزارها و امکانات مناسب برای مسئولان و مجریان است تا فرایند بی‌وقفه عرضه و کاهش تقاضا با نتیجه‌ای مطلوب به پایان برسد. یکی از ابزارهای کلیدی در این حوزه، قانونی است روشن، کارآمد، به‌روز و فراگیر که بتواند در شرایط کنونی پاسخگوی نیازهای قانونی و حقوقی مبارزه با مواد باشد. کارشناسان و فعالان این عرصه می‌دانند که قانون مبارزه با مواد مخدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ تصویب شد و در سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ نیز اصلاح گشته است؛ اما با گذشت بیش از ده سال از آخرین اصلاح و با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در ابعاد موضوع رخ داده است، به نظر می‌رسد اصلاح این قانون ضروری باشد.

اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات بنیادین جوامع بشری است و شیوه‌های برخورد با آن در کشورهای مختلف تفاوت‌های فاحشی دارد. برخی با نگاه مجرمانه رفتار می‌کنند و معتاد را مجرم می‌شمارند، درحالی که گروهی دیگر اعتیاد را بیماری می‌دانند و معتقدند که برخورد با این پدیده نباید از طریق سیستم عدالت کیفری انجام شود. برای این دسته، اعتیاد نه یک جرم و نه یک مسئله اخلاقی، بلکه بیماری‌ای مغزی است که قابلیت درمان دارد و باید همانند سایر بیماری‌ها با آن برخورد کرد. بر این پایه می‌توان گفت به‌جای تصور اعتیاد به‌عنوان بیماری فرد، می‌توان گفت که فرد گرفتار، بیمار است؛ زیرا شخص برای تسکین دردها و کم کردن فشارهای زندگی به سمت مصرف می‌رود. به عبارتی، انگیزه‌های محیطی و شرایط زندگی در ایجاد و گسترش این پدیده نقش دارند و در میان‌مدت یا بلندمدت مصرف مواد مخدر می‌تواند به مشکلی مزمن و مانع بازگشت تبدیل شود.

بررسی روند قانون‌گذاری ایران در مواجهه با اعتیاد نشان می‌دهد که ابتدا به‌عنوان معضلی اجتماعی که به‌شدت عمل نیاز دارد چندان توجه نشده بود. با این که عوامل متعددی در تشدید مبارزه با مواد مخدر دخیل‌اند، هدف این پژوهش بیشتر بررسی نقش بازدارندگی و میزان تشدید قانون مرتبط با قاچاق و عرضه مواد مخدر است تا به تحلیل دقیق‌تری از کارکرد این ابزار دست یابد. صرف‌نظر از نوع جامعه و مرحله توسعه آن، می‌توان گفت که مسئله سوءمصرف مواد مخدر زمانی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی توجه‌ها را جلب کرد که تغییرات اجتماعی مانند شهرنشینی و صنعتی شدن رخ دادند.

نیازهای ناشی از صنعتی شدن منجر به بروز تنش‌هایی در سطح فردی و جمعی شدند. فقط در اثر غیبت نظارت خانواده، نقش کنترل‌گر مذهب نیز کاهش یافت و این وضعیت با احساس بی‌گانگی فردی تشدید شد. آرزوهای بی‌وقفه و نوع دوستی ناپذیر انسان، تنش‌ها و فقرهای بیشتری بر او تحمیل کرد که در نتیجه اشتیاق او به مواد مخدر در ابتدای امر بهانه‌ای برای یافتن آرامش شد؛ اما وقتی مشکلات غیرقابل تحمل می‌شدند، فرد به اعتیاد رجوع می‌نمود. مشکلات ناشی از تخلفات مرتبط با مواد مخدر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که امروز جامعه ایران با آن روبرو است. رشد روزافزون این نوع جرائم، سبب شده است که دولت به زودی در یابد ایران با معضل اجتماعی عمده مواجه است.

مسئله اصلی در این پژوهش، امکان‌سنجی و ارزیابی اثربخشی قوانین سختگیرانه و افزایش مجازات‌ها بر کاهش رفتارهای مربوط به خرید و فروش مواد مخدر است. با توجه به روند رو به رشد جرائم مرتبط با مواد مخدر و ناکامی سیاست‌های سابق در کنترل این پدیده، پرسش اصلی این است که آیا تشدید مجازات‌ها و اعمال قوانین شدید تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تغییر رفتارهای قاچاق، توزیع و مصرف مواد مخدر خواهند داشت یا خیر؟ در واقع، هدف این است که بررسی کنیم چه میزان شدت مجازات می‌تواند نقش بازدارنده‌ای ایفاء کند؟ و در چه شرایطی، اعمال این نوع قوانین می‌تواند به کاهش جرائم مرتبط با مواد مخدر کمک کند؟ یا این که ممکن است راهکارهای دیگر، مانند برنامه‌های پیشگیرانه و حمایتی، مؤثرتر باشند. این مسئله به اهمیت تحلیل اثرگذاری شدت مجازات‌ها بر رفتارهای مجرمانه در جامعه و مشخص کردن سیاست‌های بهینه در مقابله با مواد مخدر، توجه دارد.

بر پایه مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، آمار افراد حاضر در حوزه مصرف و توزیع مواد مخدر در کشور رو به افزایش است. به گونه‌ای که تعداد محکومان مرتبط با مواد مخدر، در بین سه جرم اصلی زندانیان قرار دارد. عوامل مختلفی در گرایش افراد به مصرف مواد نقش دارند که شامل عناصر روانشناختی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، بهداشتی و حقوقی می‌شود. به نظر می‌رسد تاکنون با اجرای قوانین سختگیرانه و برخوردهای قضایی، در کنترل و کاهش این معضل موفقیت قابل توجهی کسب نشده است؛ بنابراین، نیاز به بررسی و ارزیابی دقیق روش‌های مقابله، به‌ویژه در شرایط

کنونی که نسل جوان و نوجوان بیش از دیگر گروه‌ها در معرض خطر سوء مصرف قرار دارند، ضروری است. رویکرد عملی به این موضوع و تحلیل تأثیر شدت مجازات بر کاهش تمایل به مصرف، خرید و فروش مواد مخدر، محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مباحث روان‌شناختی گرایش به مواد مخدر

۱-۱- نظریه انتقال فرهنگی کجروی

ساترلند درباره چگونگی انتقال فرهنگی کجروی معتقد است که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق معاشرت با دیگران یعنی منحرفان آموخته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، رفتار انحرافی نه منشأ ارثی دارد و نه روان‌شناختی، بلکه شخص کاملاً آن را از دیگران فرا می‌گیرد، همان‌گونه که هم‌نویان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می‌دهند؛ بنابراین، نه تنها دوستان و گروه‌های مرجع، بر هم‌نوا شدن با هنجارشکنی افراد تأثیر می‌گذارند، بلکه حتی در نوع رفتارهای انحرافی و جرائم ارتكابی افراد نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

این دیدگاه توجه دارد که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان و فرد هم‌نوا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سروکار دارد. اما این که کدام‌یک از آن دو گروه فرهنگ خود را منتقل می‌کند و تأثیر می‌گذارند، معتقد است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارت‌اند از: شدت تماس با دیگران: احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود. سن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در کودکی و جوانی بیشتر از زمان‌های بعدی است. نسبت تماس با منحرفان در مقایسه با تماس هم‌نویان: هر چه ارتباط و معاشرت با کج‌رفتاران نسبت به هم‌نویان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.

۱-۲- نظریه بی‌هنجاری مرتن

مرتن هر گونه تبیین فردگرایانه و روان‌شناختی را در مورد مسئله انحراف مردود می‌شمارد و آن را متأثر از ساخت جامعه می‌داند و شرایط ساختی را عامل اصلی انحرافات به شمار می‌آورد. وی یکی از عناصر اصلی ساخت جامعه را فراهم نمودن شیوه‌های استاندارد شده کنش^۱ برای نیل به اهداف و ارزش‌های مورد قبول و پذیرفته شده جامعه می‌داند. او در صورتی یک نظام اجتماعی را «متعادل» می‌داند که بین این دو عنصر اصلی، تناسبی وجود داشته باشد؛ یعنی افراد جامعه بتوانند از طریق ابزارها، وسایل و راه‌های مشروع جامعه، به اهداف پذیرفته شده آن جامعه دست یابند که این شیوه را «هم‌نوایی» گویند. اما در صورتی که چنین تناسبی بین اهداف وسایل دستیابی به آن وجود نداشته باشد و عده‌ای از افراد جامعه نتوانند از طریق ابزارهای مورد قبول جامعه، به هدف‌های پذیرفته شده جامعه برسند، احساس عدم رضایت می‌کنند و از این رو، تلاش می‌نمایند تا راه‌های نامشروع و غیرقابل قبول جامعه^۲ را دنبال کنند.

مرتن بر این اساس، ادعا می‌کند که مردم در برخورد با این دو عنصر یعنی اهداف و روش‌های نیل به آن یکی از این شیوه‌های پنج‌گانه را انتخاب می‌کنند: هم‌نوایی: هنگامی که مردم، هم اهداف و هم شیوه‌های رسیدن به آن اهداف را می‌پذیرند. نوآوری: زمانی است که اهداف توسط افراد پذیرفته شده است، اما وسایل پذیرفته شده جامعه را قبول ندارند مانند کسب درآمد توسط قاچاقچیان از طریق فروش مواد مخدر. مناسک‌گرایی: وسایل و ابزار رسیدن به هدف را پذیرفته است، ولی هدف را نادیده می‌گیرد. انزواطلبی: افراد هیچ‌یک از اهداف و وسایل مورد قبول جامعه را نمی‌پذیرند، مانند معتادان به مواد مخدر. طغیانگری: هنگامی به موقع می‌پیوندد که افراد اهداف و راه‌های رسیدن به آن‌ها را مردود دانسته و اهداف و وسایل جدیدی ایجاد کنند.

۱- یعنی همان ابزارها و هنجارها

۲- یعنی همان شیوه‌های انحرافی مانند روی آوردن به قاچاق یا اعتیاد

۲- قوانین و نقش پیشگیرانه

در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد. طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه دیگران نیز با عبرت گرفتن از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند (پوربافرانی و مسائلی، ۱۳۹۶، ۱۵۲).

طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، در اثر فشارهای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، قابلیت تصویب و اجرا پیدا کرد. طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخصوص الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، پس از تأمین نظر شورای نگهبان تصویب و از آبان ماه سال ۱۳۹۶ لازم الاجرا گردید. بر اساس ماده ۴۵ الحاقی، مجازات اعدام در مواردی محدود به سقف میزان مواد مخدر و مشروط به شرایطی شده است. این قانون همانند سایر قوانین مساعد به حال متهمین و محکومین، قابلیت عطف بماسبق شدن را دارا است. به موجب قانون قبل از اصلاح ۱۳۹۶ مرتکب موضوع ماده‌های ۴ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر بدون هیچ قید و شرطی به مجازات اعدام محکوم می‌شد اما اکنون مرتکبی که یکی از شرایط چهارگانه مستند در ماده ۴۵ را نداشته باشد، به اعدام محکوم نخواهد شد (عباسی کلیمانی و محبوبی، ۱۳۹۹، ۱۳۹).

آن چه از فقه اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران به دست می‌آید، این است که می‌توان بر اساس مصالح و مفاسدی که حاکم و ولی فقیه تشخیص می‌دهد از مجازات اعدام برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست، اما باید توجه داشت که در هر صورت تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرائم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر ایشان ممکن باشد و در واقع عناصر مادی و معنوی این جرم محقق شوند (مدنی قهفرخی، ۱۴۰۱، ۴۱۱).

مجازات حبس آزادی رفت و آمد را به‌طور کامل در زمان‌های طویل‌المدت یا کوتاه‌مدت

محدود می‌کند. لذا حبس مجازاتی سالب آزادی محسوب می‌شود و از این نظر که مجرم جان خود را حفظ می‌کند از مجازات اعدام بسیار خفیف‌تر است. این مجازات به‌رغم این که بار مالی و اقتصادی فراوانی به دولت تحمیل می‌کند اما دارای فوائد بسیاری بوده و در عصر جدید یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاع جامعه در برابر تبهکاران و مؤثرترین وسیله برای دور نگاه داشتن آن‌ها از اجتماع به شمار می‌رود (خاکسار، ۱۳۹۴، ۶۰).

در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۷۶ حبس در بیست و یک مورد به‌عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده و در تعیین آن از سه روش مختلف استفاده شده است: اولاً، تعیین مجازات حبس با تعیین حداقل و حداکثر که اختیار تعیین آن بین این دو متغیر بر عهده قاضی گذاشته شده است. در تعیین حبس بدین شیوه نظم و نسق مشخصی وجود ندارد. ثانیاً، تعیین مجازات به‌صورت معین و مقطوع بدون ذکر حداقل و حداکثر. به‌عنوان مثال در ماده ۲۲ بیست سال حبس و در تبصره آن بیست و پنج سال حبس به‌عنوان مجازات ثابت در نظر گرفته شده است. ثالثاً، تعیین حبس ابد که همواره آن را به‌عنوان مجازات جانشین برای اعدام در نظر گرفته‌اند و هر جا مجازات اعدام به لحاظ فقدان شرایطی قابل اعمال نباشد به جای آن حبس ابد اعمال می‌شود (ساکی، ۱۳۹۱، ۲۴۹).

به‌رغم آن که در کتب فقهی هیچ تعریف مشخص و کاملی از افساد فی الارض به عمل نیامده و تنها به ذکر مصادیق و احکام کلی آن بسنده شده است، مقنن مفروض انگاشته که اگر جرائم مواد مخدر در حد افساد فی الارض باشد، مجازات آن اعدام خواهد بود. در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۷۶ در چند مورد، از جمله ماده ۹، به افساد فی الارض استناد شده است؛ این در حالی است که در هیچ یک از کتب فقهی بحث مستقلی تحت عنوان افساد فی الارض مطرح نشده و فقط بعضی از فقها یا مفسران اسلامی اعم از شیعه و سنی، جرائم خاصی را به‌عنوان افساد فی الارض مطرح کرده و مجازات مرگ را برای آن در نظر گرفته‌اند (عالمی، ۱۳۸۶، ۲۳). نرخ محکومیت به اعدام به سبب ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر در ایران عدد بسیار بالایی را نشان می‌دهد (ذبحی، ۱۴۰۴، ۴). این در حالی است که نه تنها از حجم مواد مخدر و قاچاق آن کاسته نشده بلکه دامنه آن

وسیع تر و تنوع آن نیز بیشتر شده است. لذا استلال موافق نزول نرخ جرائم مواد مخدر به واسطه صرف حضور کیفر اعدام در متن تأسیسات و ابزارهای نظام عدالت کیفری قابل تأیید به نظر نمی‌رسد (ساکی و کونانی، ۱۳۸۷، ۱۱۰).

اگر به قاچاق مواد مخدر از هر زاویه‌ای اعم از روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و... نگاه کنیم، یکی از معضلات بسیار مهم جهانی است که به‌رغم کوشش‌های به‌عمل آمده و هزینه‌های بسیار سنگین مبارزه با آن، هنوز راه‌حل مناسب و قابل قبولی برای چیره شدن بر این معضل خانمان‌سوز به دست نیامده است. ایران نیز به دلیل این که بر سر راه یکی از مسیرهای مهم حمل‌ونقل مواد افیونی قرار دارد، و به دلایل تاریخی و اجتماعی دیگر، یکی از قربانیان بزرگ سوءمصرف در جهان به شمار می‌رود و با آن که طی سال‌های گذشته قربانیان زیادی در راه مبارزه با این مشکل ملی داده شده و بخش عظیم از سرمایه‌های ملی را صرف پیشگیری و غلبه بر این معضل کرده ایم؛ لکن نتایج حاصله رضایت‌بخش نبوده است. از طرفی، گسترش مواد مخدر و ناتوانی سازمان‌های مسئول مبارزه با مواد مخدر، امروز بیش از گذشته نمایان شده است.

اهمیت بیشتر موضوع از این جا نمایان می‌شود که جریان تولید، قاچاق، توزیع و سوءمصرف مواد مخدر یک خطر جدی است که کمترین آثار آن شامل اعتیاد جوانان، شیوع بیماری‌های خطرناکی مانند ایدز و فروپاشی کانون خانوادگی است. بروز و شیوع این بلیه خطرناک انسان را در سرایشی سقوط و انحطاط قرار می‌دهد. وجود و اجرای قاطع سیاست و قوانین منع تولید، فروش و مصرف مواد مخدر، موفقیت عملیات پیشگیری را افزایش می‌دهد. این استراتژی نه‌تنها موجب کاهش عرضه مواد مخدر می‌شود، بلکه با گران شدن و کاهش میزان دسترسی به مواد مخدر و عواقب خطرناک مصرف، میزان تقاضا را نیز کاهش می‌دهد. با توجه به کثرت افرادی که به نحوی در تولید، فروش و مصرف مواد مخدر دست دارند خطر دستگیری و مجازات همه آن‌ها کم است. علاوه بر این، به کارگیری وسیع نیروهای انتظامی در جهت مبارزه با مواد مخدر و زندانی کردن فروشندگان و مصرف‌کنندگان بسیار پرهزینه است و با توجه به عدم وجود خدمات درمانی، تضمینی نیست که این

افراد بعد از آزاد شدن به فعالیت‌های قبلی خود ادامه ندهند.

جلوگیری از ارتکاب جرم و اجرای سریع و قطعی مجازات‌ها از مهم‌ترین وظایفی است که بر عهده دولت‌ها گذارده شده است. چرا که تأمین و حفظ ارزش‌های جامعه و همچنین شکل توزیع آن‌ها در میان افراد و طبقات مختلف از عواملی است که برای بقا و دوام نظام اجتماعی موجود ضرورت دارد. در جهت دستیابی به هدف‌های پیش گفته تصویب قوانین منطبق با واقعیت‌ها و مسائل روز می‌تواند اولین و مؤثرترین اقدام باشد. درخصوص مواد مخدر به لحاظ فراوانی آن و ابعاد پیچیده و متنوع این پدیده باید در تصویب قوانین مجازاتی آن سه رکن اصلی برنامه مبارزه با سوءمصرف مواد مخدر یعنی کاهش تقاضا، جلوگیری از عرضه و جبران خسارات ناشی از اعتیاد مورد توجه قرار گیرند. لذا برای دستیابی به این منظور مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون باید با نوع جرم تناسب داشته باشند تا بتوانند حمایت افکار عمومی را جلب و نوعی فضای اجتماعی ایجاد کنند که در آن کسانی که تصمیم جامعه را درباره منع تولید و عرضه مواد مخدر غیرمجاز نادیده می‌گیرند تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

در حین اعمال محدودیت‌ها و تنبیه‌های کیفری در مورد تولید و عرضه‌کنندگان و معتادان به سوءمصرف مواد مخدر باید به‌عنوان قربانی و سزاوار کمک تلقی کرد؛ بنابراین، هدف اصلی باید پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر و حرکت در جهت طلب درمان و بازپروری باشد تا تعقیب کیفری و تنبیه. ایجاد نوعی فضای امن و حمایت‌کننده برای خانواده‌های افراد معتاد و تشویق آن‌ها به استفاده از امکانات درمانی و بازپروری موجود برای ترک اعتیاد، درمان و بازپروری اعضاء معتاد خانواده باید به‌عنوان یکی از وظایف عمده قانون تلقی شود. تعیین تکلیف قانونی و مسئولیت‌های سازمان‌های دولتی و خصوصی صاحب صلاحیت در زمینه پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر، درمان و بازپروری معتادان و حمایت از آن‌ها برای عرضه خدمات تخصصی لازم باید به‌عنوان یکی دیگر از اهداف عمده قانون تلقی گردد.

۳- تحولات قانون جدید مبارزه با مواد مخدر

در طول تاریخ برای مقابله با اپیدمی مصرف مواد مخدر، در بیشتر کشورها از راهکار کیفری استفاده شده است. امروز نیز با وجود تعدیل این رویکرد و تغییر نگرش نسبت به فرد معتاد به عنوان بیماری که نیاز به درمان دارد، هنوز در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، اعتیاد جرم انگاشته شده و واکنش کیفری به همراه دارد. جرم دانستن اعتیاد به مواد مخدر، همچون سایر جرایم مندرج در قوانین کیفری، مستند به مبانی و اصولی بنیادی است که از سوی نظام‌های سیاسی با استناد به ایدئولوژی‌های پایه، اتخاذ می‌شود. اصول جرم انگاری، پایه‌های اساسی جرم انگاری است که بر مبانی نظری هر ایدئولوژی سیاسی و زیرساخت‌های فلسفی آن استوار شده است. به تعبیر دیگر، مبانی جرم انگاری ارائه‌کننده بسترهای فکری قانون‌گذار است و اصول جرم انگاری به ملاحظات حقوقی و اجرایی قانون‌گذار اشاره می‌کند که خود، تعیین‌کننده حدود و چگونگی حقوق کیفری است (آقابابی و رضایی زادفر، ۱۳۹۳، ۳).

وضع و اجرای هر مجازاتی باید موجه و منطقی و در راستای تأمین منافع جامعه باشد. جامعه با خلع سلاح کسانی که به ارتکاب جرم اقدام نموده‌اند و یا آمادگی ارتکاب آن را دارند^۳ می‌کوشد خود را از خطر آسیب‌رسانی مجدد آن‌ها در امان دارد (اردبیلی، ۱۴۰۵، ۳۷). جرم زدایی از سوء مصرف مواد مخدر ممکن است باعث افزایش مصرف کنندگان و معتادان شود، لذا حفظ وضع فعلی قانون در مورد جرم انگاری سوء مصرف مواد مخدر موجه به نظر می‌رسد، لیکن جرم انگاری الزاماً به معنای اعمال ضمانت اجرای کیفری شدید نیست بلکه می‌توان از اقدامات تأمینی و تربیتی مناسب در این زمینه بهره برد (رحمدل، ۱۳۸۲، ۲۳۵). همچنین، اتخاذ تدابیر لازم جهت رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی و مبارزه با باندهای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر و تهیه قوانین جامع جهت پیشگیری از اعتیاد و قاچاق مواد مخدر می‌توانند در کنترل جرائم مواد مخدر مؤثر واقع شوند (مویدی، ۱۳۸۲، ۷۴).

در صورت عدم کارایی نظریه‌های اصلاح و درمان، کیفرشناسی نو یا کیفرشناسی ریسک مدار می‌تواند به‌عنوان رویکردی در پاسخ به جرائم مواد مخدر مطرح شود. مطابق این رویکرد، بزهکاران در قالب گروه‌های خطرناک یا دارای ریسک بالا قرار می‌گیرند و بسته به میزان خطرناکی بزهکار و جرم ارتكابی وی، تعیین می‌شود که کدام راهبرد هدف دار قابل اعمال است (نوبهار و صیقل، ۱۳۹۶، ۲۲۰).

با عنایت به نقش مهمی که قانون در پیشگیری، درمان، ارباب فرد، جامعه و مبارزه با تولید، خریدوفروش و به‌طور کلی کاهش یا افزایش جرائم مربوط به مواد مخدر دارد برخی از تحولات اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر که مرتبط با موضوع است را بیان می‌کنیم. افزایش میزان مجازات نقدی و تطبیق آن با ارزش فعلی پول کشور؛ توجه به پیشگیری و درمان از طریق اختصاص دادن بودجه‌ای به این موضوع مهم؛ مکلف نمودن دولت به احیاء و ایجاد اردوگاه‌های بازپروری معتادان مواد مخدر؛ لحاظ نمودن اعتیاد به‌عنوان جرم و به کلیه معتادان اجازه داده شود به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام کنند؛ معتادان در مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری معاف هستند و پرداخت هزینه‌های تشخیص درمان دارویی و بازپروری معتادان بی‌بضاعت به عهده دولت باشد؛ کارکنان دولت که به علت اعتیاد به مواد مخدر به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شده‌اند در صورت ترک اعتیاد مجدداً می‌توانند مراحل استخدام را طی کنند و در دستگاه‌های دولتی به خدمت مشغول شوند؛ قانون به دادگاه اختیار داده است در صورت وجود جهات مخفف مجازات‌های تعزیری مقرر در قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد؛ قانون ساخت، ورود، خرید و... مواد مخدر ممنوع موضوع قانون را برای مصارف پزشکی و تحقیقاتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی می‌سازد.

نتیجه

جرائم مواد مخدری و فرهنگ آن، تشکیل الگوی بزرگ‌تری را می‌دهد که هیچ نهادی به تنهایی مسئول آن نیست و اگر نگاه ما به مسئله جرائم مواد مخدری صرفاً مقابله‌ای باشد، هیچ موفقیتی در این عرصه حاصل نخواهد شد. درخصوص سیاست جنایی و سیاست تفنینی، می‌بایست از یک سو انطباق قوانین با پیمان‌نامه‌های بین‌المللی و همسویی با تحولات جامعه جهانی در نظر گرفته شود و از دیگر سو رفع نیازها و برآوردن مشکلات امروزی، به‌ویژه برای آن دست مشکلات جامعه که به سبب آسیب‌های یاد شده به وجود آمده، می‌بایست به بهره‌گیری و اتخاذ سیاست‌های معقول، کارآمد و عملی، راهکارهایی چون دوری از سیاست جنایی سختگیرانه یا همان عدم مدارای گذشته، همچنین تنوع‌بخشی به پاسخ‌های اجتماعی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و بزه، مدنظر گرفته شود. گذشته از توسل به جامعه و مجازات‌های اجتماعی از رهگذر اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی، تهیه و تدوین لایحه مجازات‌های اجتماعی را نیز نباید از یاد برد.

در باب سیاست جنایی قضایی نیز، هنگام برخورد با آسیب‌ها به‌ویژه آسیب‌های یاد شده، می‌توان از یک سیاست جنایی قضایی پیشرو حتی فراتر از سیاست جنایی تفنینی سخن به میان آورد؛ زیرا برخی دادرسان نوآور حتی پا را از محدوده و تفسیر سنتی قوانین موجود فراتر نهاده‌اند و با توسل به ارائه جایگزین کیفرهایی چون حبس تعدیل و کاستن از خشکی و سختی قوانین مواد مخدر را دنبال می‌کند. آن‌ها با توسل به پاسخ‌های غیرکیفری و ترمیمی به جای مجازات حبس و شلاق^۴ و سرانجام مبارزه پرتوان با مفاسد اقتصادی، در این زمینه نقشی محوری ایفاء کرده‌اند.

در مجموع از مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مجرمان مواد مخدر، مجازات اعدام کمترین مورد را از قانون مبارزه با مواد مخدر به خود اختصاص داده و مجازات شلاق بیشترین مورد را از این قوانین به خود اختصاص داده است. که این در حقیقت به نوعی عدم سختگیری لازم در قبال مجرمین

۴- به ویژه درخصوص نوجوانان

مواد مخدر را نشان می‌دهد. راه‌حل اساسی برای پیشگیری از وقوع جرم از میان برداشتن وضعیت‌هایی است که منجر به مجرمیت می‌شود که البته نقش دستگاه‌های فرهنگی و تأثیرگذار در این خصوص کمتر از قانون‌گذار نیست. یعنی قانون‌گذار می‌بایست قوانینی بازدارنده وضع نماید که زمینه مجرمیت افراد در آن، تا حد ممکن از بین برود و دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و مرتبط، با ایفاء نقش صحیح خود به فرهنگ‌سازی و مبارزه با مواد مخدر بپردازند. نکته دیگری که باید اشاره کرد این است که اعمال مجازات‌های سنگین در طول عمر قوانین مبارزه با مواد مخدر چندان تأثیرگذار نبوده است. چرا که اگر واقعاً شدت عمل مجازات و از طرفی بازدارندگی قوانین مؤثر بود می‌بایست اثرات خود را نشان می‌داد، یعنی کاهش ارتکاب این جرائم که به نظر نمی‌رسد چنین بوده باشد.

درخصوص مجازات حبس می‌توان گفت از ویژگی‌های این کیفر خاصیت ارعابی و بازدارندگی آن است که مورد توجه قرار گرفته است در حقیقت این مجازات توانسته قرن‌ها دوام یابد زیرا بشر اصولاً نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود علاقه‌مند است. اما هرچند حبس ممکن است در پیشگیری فردی مؤثر باشد ولی در پیشگیری عمومی و عبرت آفرینی برای دیگران چندان مؤثر نخواهد بود. مجازات حبس در کاهش آمار جرائم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأثیر بسیار کمی دارد و علت این امر این است که بطور کلی پدیده‌های اجتماعی دارای ساحتی چند بعدی می‌باشد.

با توجه به سودآور بودن تجارت مواد مخدر و با توجه به این که جرم معلول عواملی چون فقر، بی‌سواد، بیکاری، فشارهای روانی شرایط اقتصادی و... می‌باشد که زندان در از بین بردن آن‌ها تأثیری ندارد و تا زمانی که علل و عوامل زمینه‌های جرم در جامعه موجود باشد جرم به حول و قوه خود باقی است و زندان باید به‌عنوان آخرین راهکار مورد استفاده قرار بگیرد. باید راهکارهایی اندیشیده شود که شخص به‌جای گرایش به قاچاق مواد مخدر به شغل‌های مناسب روی آورد. زندان می‌تواند مکانی برای بازپروری، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش فن و حرفه مناسب برای مجرمین مواد مخدر باشد اما اگر به‌خوبی از آن استفاده نشود، می‌تواند ابزار اصلی افزایش دانش جرائم مختلف از جمله مواد مخدر برای مجرم باشد.

پیشنهاد

اول- تشدید مبارزه با مواد مخدر امری همگانی است که نیاز به مشارکت فعال گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و مردم دارد، بهتر است ستاد مبارزه با مواد مخدر کارگروه‌هایی را برای شناسایی ضعف مبارزه با مواد مخدر تشکیل دهد. دوم- تشدید مبارزه با مواد مخدر صرفاً در بعد سختگیرانه کردن قوانین نیست بلکه قبل از تصویب این قوانین می‌بایست زمینه‌های گرایش افراد به مقوله مواد مخدر را از بین ببرد. به عنوان مثال، مباحثی چون ازدواج و اشتغال جوانان، ریشه کن کردن فقر، ساخت مراکز رفاهی و تفریحی سالم، فرهنگ سازی، تقویت بنیه اعتقادی افراد، بالا بردن مهارت‌های زندگی در بین خانواده‌ها و... از جمله عواملی است که می‌تواند گرایش به مواد مخدر را کاهش دهد. سوم - آموزش‌های لازم درخصوص مواد مخدر و عوارض آن در سطح گسترده انجام گیرد. چهارم- در وضع قوانین می‌بایست تدابیری اتخاذ شود که به عوامل اصلی همچون قاچاقچیان نسبت به خرده فروشان برخورد قاطع‌تری به عمل آید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آقابابایی، حسین و رضایی زادفر، بهناز، ۱۳۹۳، جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۴۰۵، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفتاد و هشتم، تهران، انتشارات میزان.
- پوربافرانی، حسن و مسائلی، امین، ۱۳۹۶، تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۹۱.
- خاکسار، الهه، ۱۳۹۴، بررسی کیفرشناختی قانون مبارزه با مواد مخدر و روانگردان با تأکید بر توزیع،

- پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.**
- ذبیحی، حسین، ۱۴۰۴، **شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر در نظم حقوقی جدید**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات قوه قضائیه.
- رحمدل، منصور، ۱۳۸۲، **اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران: جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری**، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۹.
- ساکی، محمدرضا و کونانی، سلمان، ۱۳۸۷، **بایدها و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرائم مواد مخدر**، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۷.
- ساکی، محمدرضا، ۱۳۹۱، **مواد مخدر و روانگردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- عالمی، لیاقت علی، ۱۳۸۶، **افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی**، **فصلنامه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی**، شماره ۲۳.
- عباسی کلیمانی، عاطفه و محبوبی، ملیکا، ۱۳۹۹، **بازخوانی مجازات جرائم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روانگردان در نظام حقوقی ایران**، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴۴.
- مدنی قهفرخی، سعید، ۱۴۰۱، **اعتیاد در ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات ثالث.
- مویدی، احمد، ۱۳۸۲، **تحلیل و بررسی سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در ایران**، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۳۹.
- نوبهار، رحیم و صیقل، یزدان، ۱۳۹۶، **ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک مدار**، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۰.

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadsreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhraei

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayedeh Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaeian, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutor's Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghravi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Casting: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri